



در این مقاله از رشته ی تعلقات و آشنایی های ایرانیان با علی علیه السلام سخن رفته است؛ نظیر مدارا در اخذ خراج از ایرانیان چه در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله که به یمن گسیل شد و گروهی از ایرانیان در آنجا مقیم بودند و چه در زمان خلافت خویش؛ خونخواهی آن حضرت از هر زمان ایرانی؛ اجرای عدالت در تقسیم بیت المال میان عرب و عجم و از جمله ایرانیان در زمان خلافت؛ حمایت ایرانیان از علی علیه السلام در جنگ جمل.

1. مقدمه

بی تردید موضوع آشنایی ایرانیان با حضرت علی علیه السلام برای هر شیعه ای از اهمیت و جاذبه ی بسیاری برخوردار است. حوادث تاریخ ایران و اسلام در دهه های دوم، سوم و چهارم از سده ی نخست ه. ق، بسترهای مناسبی برای آشنایی ایرانیان با آن بزرگ مرد تاریخ بشر فراهم ساخت.

2. دیدار «الانباء» با علی علیه السلام

به سال دهم ه. ق پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را به یمن گسیل داشت تا امور آن منطقه را سامان بخشد و خراج ایشان را جمع آورد. در آن زمان، در یمن طبقه ای وجود داشت که اعراب به آنها «الانباء» و گاه «بنی الاحرار» می گفتند. آنان در جامعه ی یمن از جایگاه خاصی برخوردار بودند و همواره به آزادگی و شرافت انصاف داشتند. اینان ایرانی نژادهایی بودند که اجدادشان از جانب خسرو انوشیروان برای یاری مردم یمن و حمیریان تحت ستم حبشیان، به آن دیار اعزام شده بودند و آنان پس از درهم شکستن حبشی های مهاجم در همان جا سکنا گزیدند. سال ها بعد بر اثر آمیزش آنان با ساکنان بومی عرب، نسلی پدیدار شد که به «الانباء» یا «بنی الاحرار» به معنای «فرزندان ایرانیان» یا «پسران آزادگان» شهرت یافتند. (1)

حضور علی علیه السلام در یمن در سال دهم هجری، این امکان را در اختیار انبواء ایرانی نژاد قرار داد تا از نزدیک با سیره ی انسان دوستانه، کریمانه و بزرگووارانه اش آشنا شده و از همان جا دوستی و محبت او را در دل های خویش جای دهند. انبواء پس از آشنایی با علی علیه السلام اسلام آورده و فیروز را از جانب خود به مدینه فرستاده، مراتب ایمان و وفاداری خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه داشتند. (2)

3. فتوحات اسلامی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله

پس از رحلت رسول گرامی اسلام، دو اتفاق بزرگ رخ داد که تأثیرات شگرفی در سرنوشت آینده ی اسلام و مسلمین داشت:

یکی ماجرای سقیفه و دیگر، پدیده ی فتوحات. بزرگترین اشتباه و انحرافی که در سقیفه [صفر سال 11 ه. ق] انجام گرفت، تغافل، تجاهل و به فراموشی سپردن واقعه ی غدیر بود. غدیر به اهلیت و صلاحیت علی علیه السلام برای جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله اشعار داشت. اما حوادث سقیفه به گونه ای دیگر رقم خورد و با انتخاب ابوبکر به خلافت، به واقع زاویه ی انحرافی آغاز گشت، که در سال 61 ه. ق با کشتار فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله، به نقطه ی اوج خود رسید. اما حادثه ی مهم دیگر که در مبحث ما می گنجد، آغاز فتوحات در دوران خلافت ابوبکر بود. هدف فتوحات، گسترش اسلام و از میان بردن سدها و موانع سیاسی موجود جهان آن روزگار بود که نمی گذاشتند پیام اسلام به گوش جان امت های دیگر برسد. اندیشه و طرح فتوحات اساسا سه خواستگاه مهم داشت:

نخست؛ جوهر اسلام که دینی بود متمم و مکمل ادیان دیگر و طبعاً آیین جهانی که همه ی انبیا بشر را مورد خطاب خود قرار می داد.

دوم؛ سیره ی عملی پیامبر در جهت معرفی اسلام به خارج از مرزهای شبه جزیره ی عربستان که نمونه ی بارز آن دعوت خسرو ایران، فیض روم و مقوقس مصر به پذیرش این آیین بود.

سوم؛ رضای حسن جاه طلبی و زیاده خواهی برخی از امیران و خلیفگان و برطرف کردن مشکلات اقتصادی که از سرزمین خشک عربستان ناشی شده بود.

اینها عواملی بودند که ذهن و اندیشه و همت عرب را که تا پیش از اسلام به تنافسات خونین قبیله ای در حوزه های محدود، معطوف بود، به تسخیر سرزمین های دور و نزدیک متوجه ساخت. (3)

4. فتح ایران و پیدایش طبقه ی موالی

با شروع فتوحات در زمان خلافت ابوبکر، کرانه های جغرافیای اسلام، به سمت شرق و شمال و غرب گسترش یافت. در مدتی اندک ایران، شام و مصر فتح شدند. فتح ایران تقریباً در خلال دهه ی 12 تا 22 ه. ق، تکمیل شد.

نخستین پیروزی قاطع در برابر ایرانیان در اوایل خلافت عمر در سال 16 ه. ق در قادسیه صورت پذیرفت. (4) علی علیه السلام نیز از آغاز طراحی این عملیات بزرگ در مدینه، در جریان قرار گرفته بود. به گفته ی طبری و بر اساس خطبه ی 145 نهج البلاغه، آن حضرت پیشنهادها سودمندی را نیز در این باره به خلیفه ی دوم عرضه کرد. با فتح ایران بسیاری از خاندان های ایرانی در جوار اعراب و یا حتی در درون بافت و ساختار جامعه ی اعراب، تحت عنوان «موالی» جای گرفته و از آن پس به عنوان طبقه ای نوظهور در جامعه ی اسلامی جایگاه خاصی را به خود اختصاص دادند و رابطه ی موالی با اعراب فاتح الزاماً رابطه ارباب و رعیت و خواجه و برده نبود؛ بلکه در بیشتر موارد خاندان های ایرانی با خاندان های عرب پیمان ولاء و دوستی (موالی موالاة) داشتند تا مکانیسم روابط اجتماعی خود را در قالبی استوار و مناسب انتظام بخشید.

(5)

با وجود این، خاندان های ایرانی از روح تعرب و عصبیت عربی، که هنوز از جامعه ی اسلامی رخت بر نیسته بود، رنج می بردند. این روحیه که حتی خلیفه دوم و سوم نیز از آن بی بهره نبودند، گاه عرصه را بر موالی ایرانی تنگ و دشوار می ساخت. شاید بتوان ترور عمر توسط ابولؤلؤ (فیروز ایرانی) (6) را به سال 23 ه. ق واکنش در برابر

این فشارها تلقی کرد.

5. علی علیه السلام خونخواه هرمزان ایرانی

در پی مرگ عمر، عبیدالله پسر او، نه تنها ابولؤلؤ و همسر و دخترش را به قتل رساند، بلکه هرمز را نیز بی هیچ مستمسک قابل قبول شرعی و عرفی کشت. عثمان خلیفه ی سوم وظیفه داشت عبیدالله را به سبب قتل بی دلیل يك ایرانی مسلمان، قصاص کند؛ زیرا از بی گناهی او آگاه بود. لیکن خلیفه جرات نداشت تا در این مورد، به وظیفه ی اسلامی خود عمل کند. علی علیه السلام، خلیفه ی سوم، عثمان را در این مورد سخت نکوهش کرد و به عبیدالله بن عمر چنین گفت:

ای فاسق اگر روزی بر تو دست یابم، تو را به خونخواهی هرمزان خواهم کشت. (7)

عبیدالله تا پایان عمر از علی علیه السلام بر حذر بود. او در جنگ های جمل و صفین در مقابل آن حضرت قرار گرفت و سرانجام در یکی از نبردهای جنگ صفین کشته شد.

6. دفاع علی علیه السلام از حمراء

اعراب، ایرانیان ساکن کوفه و بصره را به نام های چندی از جمله «موالی»، «بنی عم»، «زط»، «سیایچه»، «اسواران» و «حمراء» می خواندند. آنان را موالی می گفتند، از آن رو که با قبایل عرب پیوند «ولا» داشتند و بنی عم می نامیدند، از آن جهت که با طوایف عرب چنان موالات و هم پیمانی داشتند که گویی پسر عمواهی ایشانند. زط همان شکل تعریب شده جت است که در اصل قومی از هندوان بودند که کار ایشان نگهداری در راه ها و مسالك و بعدها به اسواران ایرانی نیز که شغل نگهداری داشتند، اطلاق گردید. سیایچه جمع «سیجی» معرب سپاهی است که مانند زط غالباً به طبقه ی کار آموزده ی نظامی ایرانیان، اطلاق می شد. حمراء به معنی سرخ رویان یا سپیدرویانی نامی بود که به اعتبار رنگ روشن پوست ایرانیان به آنان می دادند.

در نظام مالی که عمر و سپس عثمان اعمال می کردند، معمولاً حقوق و عطایای موالی ایرانی پایین تر از اعراب بود. از این رو وقتی که ایرانیان در دوران خلافت علی علیه السلام از حقوق و عطایایی برخوردار شدند، جمعی از سران و اشراف کوفه از جمله اشعث بن قیس کندي، در برابر آن حضرت زبان به اعتراض گشودند که از چه روی ما را مغلوب این حمراء ساخته ای؟ (لماذا غلبتنا هذه الحمراء؟) (8)

آن حضرت که پیوسته عدالت و انسان دوستی را وجه ی همت خویش داشت، بر این باور بود که تعلق به نژاد عرب نمی تواند به عنوان يك امتیاز برای ایشان به حساب آید. به همین جهت با صراحت در برابر این فشارها ایستادگی می کرد و هرگز به خواست های غیر منصفانه ی ایشان وقعی نمی نهاد.

عدالت علی علیه السلام سخت مورد توجه ایرانیان قرار گرفت؛ زیرا پیش از این، شاهد بودند که چگونه خلیفگان و خاصه عاملان و کارگزاران ایشان در بصره و کوفه، پای از جاده ی عدل و داد بیرون نهاده و حقوق آنان را تضییع می نمایند و موالی که از حدود سال های شانزده ه. ق به بعد رفته رفته به بصره و کوفه آمده و سکنا گزیدند، از نزدیک با اعمال ننگین امیران فاسق و ظالمی چون سعید بن عاص، مغیره بن شعبه، ولید بن عقبه و عبدالله بن عامر آشنا بودند و هرگاه از ظلم و جور ایشان به خلیفه ی دوم و سوم شکایت می کردند، راه به جایی نمی بردند. اما در همان حال به چشم خود شاهد بودند که علی علیه السلام با آن که هنوز به خلافت نرسیده بود، با جرات و جسارت تمام، فرزندش حسن را به اجرای حد شرعی در مورد ولید بن عقبه ی شراب خوار فرمان می دهد و عبیدالله بن عمر را به قصاص خون به ناحق ریخته ی هرمزان تهدید می کند و در میان موج مخالفت اشراف و بزرگان سرکش قریش که خود را تافته ی جدا بافته می دانستند، حقوق موالی ایرانی را استیفا می نماید. این مشاهدات کافی بود تا قلب هر انسانی را به شوق و جذبه و کشش وادارد. حمراء در وجود علی علیه السلام روح بزرگی را یافتند که فراتر از علایق نژادی و زبانی و قومی، به موضوع انسانیت و عدالت می اندیشید. از همین رو در جریان جنگ های جمل و صفین از آن حضرت دفاع می کنند و در رکابش به جنگ با ناکثین و قاسطین می پردازند.

7. جنگ جمل و حمایت ایرانیان از علی علیه السلام

چنان که گفته آمد در دهه ی سوم و چهارم ه. ق (سال های 20 تا 40) بسیاری از ایرانیان در بصره و کوفه سکنا گزیده بودند. آنان تعدادی مهاجر و عده ای دیگر، از ساکنان اصیل و قدیمی همین منطقه بودند. بصره و کوفه تا پیش از فتوحات بخش غربی ایران محسوب می شد. از جمله ی این ساکنان قدیمی این دو شهر، طوایفی موسوم به زط و سیایچه بودند که همواره به عنوان بخش مهم از اسواران یعنی نیروهای آموزده و مجرب دوران ساسانیان به حساب می آمدند. این زطها و سیایچه در سال 36 ه. ق در جریان جنگ جمل در اطراف بصره با سپاهیان اصحاب جمل مقابله کردند و کار را بر عایشه، طلحه و زبیر سخت نمودند. (9)

با تسخیر بصره توسط جملیان، زطها و سیایچه در کوفه به سپاه علی علیه السلام پیوستند و تا پیروزی کامل در برابر ناکثین، در رکاب حضرتش نبرد کردند. آن حضرت که نظاره گر فداکاری های بی شائبه و خالصانه ی ایرانیان حاضر در سپاهش بود، همواره در چهره ی آنان مردمانی نجیب و آزاده را مشاهده می کرد که می تواند از یاری جدی ایشان در راه بسط عدالت و دفع بیداد و ریشه کن کردن فتنه ی ریشه دار منافقان و بنی امیه، بهره مند گردد. از این رو، با ارسال نامه هایی به عاملان خود در همدان و آذربایجان نیروهای ایرانی را برای مقابله با معاویه در جنگ صفین، به یاری خود طلبید. (10)

8. هدایای ایرانیان به علی علیه السلام

در زمانی که علی علیه السلام در کوفه بودند، به رسم سابق شماری از ایرانیان (11) نزد آن حضرت آمدند تا هدایایی تقدیم دارند. پیشتر کارگزاران عثمان همچون ولید بن عقبه و سعیدبن عاص، افزون بر خراجی که از ایرانیان مسلمان می گرفتند، ایشان را به اعطای هدایای نوروگان و مهرگان نیز مکلف ساخته و از این راه میلیون ها دینار به چنگ آوردند. از این رو، هدایای نوزری به صورت سنتی رایج درآمده بود.

وقتی ایرانیان هدایای خود را نزد حضرت آوردند، برای آن که خاطر آنان مکرر نشود، هدایا را پذیرفتند؛ اما دستور دادند، مقابل قیمت آن هدایا، از میزان خراج آنان کسر گردد. همچنین به هنگامی که آن حضرت به عزم صفین از شهر انبار می گذشتند دهقانان (معرب دهیان به معنای بزرگ ده است که معمولاً از طبقات مرفه و طراز اول جامعه محسوب می شدند)، به همراه دیگر مردم به دنبال علی علیه السلام راه افتاده دوان دوان ایشان را مشایعت می کردند. علی علیه السلام آنان را از این کار منع فرمودند. آنگاه دهقانان پیش کنشی های خود را اهدا کردند. آن حضرت هدایا را تنها بدان شرط قبول نمودند که قیمت آنها را حساب کرده و به ایشان بپردازند. (12)

در همین زمان ابوزید انصاری را به نحوه ی اخذ خراج و جزیه از ایرانیان رهنمون ساختند. (13) دستورهای صریح و آشکار آن حضرت در این باره را باید به واقع پایه گذاری نظامی نوین، عادلانه و کارآمد در نظام اخذ مالیات بر افراد (خراج، برای مسلمانان و اهل جزیه و جزیه ی ویژه ی غیر مسلمانان) به حساب آورد. این نظام عادلانه که از جانب علی علیه السلام اعمال گردید، توجه عمیق تر ایرانیان را به شخصیت عدالت جوی و انسانی اش بیش از پیش جلب نمود و طبعاً به دنبال آن عشق و محبتی ژرف را در اعماق روح و جان ایرانی ایجاد کرد. عشقی که در طول قرون متمادی، هرگز خاموش نگشت و ولاء اهل بیت را در این سرزمین به صورت بخشی اساسی و تفکیک ناپذیر از فرهنگ ایرانیان، درآورد.

آری اینها نمونه هایی بود از نخستین آشنایی های مردم ایران با علی علیه السلام که بی تردید باید در موضوع گرایش و محبت ایرانیان نسبت به علی علیه السلام و

خاندان پاکش و در پی تسری و رواج تشیع در ایران، بدان‌ها توجه کافی و وافی مبذول داشت.

پی نوشت‌ها:

1) یعقوبی، ابن واضح، یعقوبی، بیروت، داربیروت، سال انتشار ندارد، ج 1، ص 200. فیاض، علی اکبر، تاریخ اسلام، انتشارات دانشگاه تهران، 1367 ش، ص 27.

2) فیاض، تاریخ اسلام، ص 123.

3) درباره فتوحات ر. ک. فتوح البلدان بلاذری، الفتوح ابن اعثم کوفی، الاخبار الطول دینوری و تاریخ طبری.

4) بلاذری، احمد بن یحیی. فتوح البلدان، ترجمه دکتر محمد توکل، تهران، انتشارات نقره، چاپ نخست، 1367 ش، ص 365.

5) راجع به موالی و انواع ولاء و رفتار هریک از خلفا با موالی، ر. ک. الموالی و نظام الولاء، دکتر محمود مقدم، ترجمه و تحقیق محسن حیدرنیا، پایان نامه ی کارشناسی ارشد دانشکده ی الهیات دانشگاه تهران، 1372 ش.

6) یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه ی محمد ابراهیم آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، ج 6، 1371 ش، ج 2، ص 51.

7) محمدی ملابری، دکتر محمد، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، جلد 3، دل ایرانشهر، بخش دوم، تهران، انتشارات توس، چاپ اول، 1379 ش، ص 242.

8) درباره ی اسواران، زط، سیایچه، و موالی ر. ک دکتر ملابری، ج 3، ص 211 به بعد و ج 2 ص 422 و نیز، لسان العرب، ابن منظور، ذیل واژه ی حمراء و الموالی و نظام الولاء، دکتر مقداد

9) دکتر محمدی، ج 3، ص 211 و 212، به نقل از تاریخ طبری.

10) ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، الفتوح، ترجمه ی کهن فارسی، محمدبن احمد مستوفی هروی، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ج 1، 1372، صص 454-456.

11) درباره ی ایرانیان ساکن کوفه و بصره، ر. ک. فتوح البلدان، بلاذری، ترجمه ی دکتر توکل، صفحات 65، 367، 398، 452، 3

12) ابن مزاحم، نصر، وقعة صفین، تصحیح عبدالسلام محمد هارون، ترجمه پرویز اتابکی، چاپ تهران، 1366 ش، ص 198-199.

13) دکتر محمدی، ج 3، ص 247، به نقل از فتوح البلدان بلاذری.

محسن حیدرنیا

منبع: باشگاه اندیشه

خبرگزاری فارس